

## عمادالدین محمود شیرازی و آثار او

حکیم سید ظل الرحمن\*

ترجمه: سید حسن عباس\*

عمادالدین محمود شیرازی (حدوداً ۱۵۹۲-۱۵۱۵ م.) به خاطر علم و فن و حذاقت در طب، شخصیتی نامدار است و یادگار و نام او در تاریخ علم و طب هند و ایران همواره باقی خواهد ماند. سلسله تلمذ دو خانواده طیب عالی مرتبت هندوستان - خاندان شریفی (دهلی) و خاندان عزیزی (لکهنو) - به او می‌رسد. خواجه خاوند محمود مورث اعلای خانواده شریفی، شاگرد وی بود. همچنین حکیم محمد یعقوب لکهنوی، با چند واسطه به او ارتباط دارد. در آن واسطه‌ها حکیم میر محمد باقر<sup>۱</sup> فرزند برومند عمادالدین نیز قرار دارد.

عمادالدین محمود حکیمی حاذق، نویسنده‌ای بلند رتبه و استادی یگانه در آن عصر بود. در میان جلسات درس او اسامی اطبای نامداری دیده می‌شود. علاوه بر آن خواجه

---

♦ - استاد بازنشسته طب سنتی طبیه کالج دانشگاه اسلامی علیگره و مؤسس آکادمی ابن سینا، علیگره.

\* - استادیار فارسی دانشگاه هندوی بنارس، واراناسی.

۱- ظل الرحمن، سید: تذکره خاندان عزیزی (اردو)، علیگره، ۱۹۷۸ م، ص ۴۰.

خاوند محمود، طبیب عهدِ اکبری ابوالفتح گیلانی (م: ۱۵۸۸ م.) و از عهدِ صفویه غیاث‌الدین منصور شیرازی به این اعتبار بسیار اهمیت دارند که بار دیگر سلسله‌های طب نوین، از آنان آغاز می‌شود.

عمادالدین در حدود ۱۵۱۵ میلادی متولد شده است. دربارهٔ تعیین تاریخ تولد و وفاتش از تألیفات خود او یا از مؤلفات دیگران می‌توان کمک گرفت.<sup>۱</sup> پس از تحصیلات علوم طب، او در دربار عبدالله خان استجلو، استاندار شروان، راه می‌یابد. بنابر علّی اعتبار و اعتماد خان استجلو بر او باقی‌نمانده و به خاطر تقصیری بسیار معمولی، او را در یک شب، در استخری بسیار سرد انداخت و عمادالدین با خوردن مقدار زیادی افیون جان خود را حفظ نمود. پس از حادثهٔ آن شب او معتاد می‌شود و سرانجام دربارهٔ فواید و مضرات افیون کتابی تألیف می‌کند.<sup>۲</sup>

در مشهد، در کنار روضهٔ مطهر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام شفاخانه‌ای ایجاد شده بود که هدف آن فراهم‌آوردن تسهیلات درمانی برای زیرین روضهٔ آن حضرت و افراد دیگر بود. عمادالدین پس از جداشدن از ملازمت خان استجلو، از طرف شاه طهماسب (۱۵۷۶-۱۵۲۴ م.) به آن آستانه وابسته شد. در آنجا بنابر گفتهٔ خود او، اوقات فراغتی به دست آمده و باوجود کمبود منابع، کتابی دربارهٔ آتشک به رشتهٔ تحریر درآورد.

عمادالدین، طبیب شاه اسماعیل صفوی (۱۵۷۷-۱۵۷۶ م.) نیز بوده است. او در حدود ۱۰۰۰ هـ/ ۱۵۹۲ میلادی درگذشته است. کتابهای فراوانی تألیف نمود که نسخ آن در کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران موجود است و بسیاری از آنان تا به حال به صورت خطی محفوظ مانده است. مصنفات وی که در کتابخانه‌های هند و پاکستان

1- C. Elgood: *Safavid Surgery*, Analecta Medico Historic-2, Pergaman Press, Oxford, 1965, p.6.

۲- همان، ص ۶.

است و نگارنده از آنها اطلاع دارد، به قرار زیر می‌باشند. در میان آنها چهار کتاب به زبان عربی و بقیه به فارسی است.

### ۱- شرح تشریح القانون (عربی)

بخشهایی از قانون ابن سینا است که توجه شارحین را نتوانسته است به خود جلب کند، در میان آنها بخشهای تشریح نیز وجود دارد، اما عمادالدین از آن دسته شارحین قانون می‌باشد که نه فقط بخش تشریح را انتخاب نموده، بلکه با بسیاری شرح و بسطها، شرح خود را شرحی مفصل‌تر از بخش تشریح القانون قرارداد است. این امتیاز وی در حدّ شرح محدود محض نیست، بلکه تمامی سرمایه‌های قدیمی علم تشریح، از لحاظ حجم و ضخامت را نیز دربرمی‌گیرد. شرح تشریح القانون عمادالدین، بر همه برتری دارد. این شرح در سال ۹۷۳ هـ/ ۱۵۶۵ م. در دو مجلد نوشته شده است و نسخه‌های خطی آن در کتابخانه دارالعلوم دیوبند و کتابخانه رضا رامپور موجود است. نسخه رامپور بدین جهت حایز اهمیت است که یازده سال پس از تألیف آن کتاب در سال ۹۸۴ هـ/ ۱۵۷۶ م. کتابت شده که این زمان، زمان حیات مؤلف است. کاتب آن عبدالله بن حافظ علی مشهدی نام دارد.<sup>۱</sup>

### ۲- کتاب التشریح (عربی)

در علم تشریح کتابی مستقل است و نسخه آن در کتابخانه رضا رامپور موجود است. پیش از این که کتاب مذکور را تألیف جداگانه‌ای قرار دهیم، لازم است که با شرح تشریح القانون مقایسه شود؛ زیرا این امکان وجود دارد که این کتاب بخشی از کتاب التشریح (القانون) باشد.

---

۱- ظلّ الرّحمان: سید: قانون ابن سینا و شارحین و مترجمین آن (اردو)، علیگره، ۱۹۸۶ م، ص ۴-۱۴۳.

### ۳- شرح قانونچه (عربی)

کتاب قانونچه، تألیف محمود بن عمر چغمینی (م: ۷۴۵ هـ/ ۱۳۴۴ م.) است. این کتاب در ردیف کتابهای اساسی درسی در علم طب بوده است. چندین شرح دارد که یکی از آنها شرح قانونچه عمادالدین محمود است. یک نسخه نادر از این کتاب در کتابخانه رضا رامپور موجود است.

### ۴- المرکبات الشاهیه (عربی)

به نام شاه طهماسب (۱۵۷۶-۱۵۲۴ م.) معنون شده است. این کتاب را می‌توان یکی از تألیفات مهم عمادالدین محسوب کرد. دارای یک مقدمه، ۲۵ باب و خاتمه، و مشتمل بر ۱۰۸ برگ است. مانند شرح قانونچه، نسخه این کتاب نیز نایاب است. نسخه کتابخانه رضا رامپور در سال ۱۱۹۷ هـ/ ۱۷۸۲ میلادی کتابت شده است. علی حیدر خان آن را برای میر فرزند علی در گوالیار (هند) از نسخه مکتوبه حکیم غریب الله نقل کرده است.

### ۵- رساله افیون (فارسی)

در این رساله درباره ماهیت، طبیعت، خواص و فواید و مضرات افیون بحث شده است. علاوه بر نسخه ناقص‌الطرفین کتابخانه خدابخش پتنا، نسخه‌هایی از آن در کتابخانه اداره تاریخ و تحقیق طب دهلی‌نو، استیت لائبریری حیدرآباد، کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور و در ذخیره نگارنده این سطور موجود است. نسخه‌ای که در ذخیره نگارنده موجود است، نوشته بین سالهای ۱۱۵۰ و ۱۱۵۷ هجری می‌باشد. در کتابخانه رضا رامپور تلخیصی از آن، بدون نام تلخیص‌کننده، موجود است.

## ۶- رساله آتشک (فارسی)

درباره آتشک قبل از ۱۵۶۹ میلادی هیچ کتابی تألیف نشده بود. عمادالدین اولین نویسنده‌ای است که درباره این موضوع کتابی تألیف کرده است<sup>۱</sup> و بنا بر قول او: "متقدمین درباره این مرض چیزی نگفته‌اند و بهاءالدوله نوربخشی نخستین مؤلف است که در کتاب خود «خلاصة التجارب» (تألیف ۹۰۷ هـ/۱۵۰۱ م.)، ذکر آتشک را آورده است"<sup>۲</sup>.

دکتر سائرل الگود، رساله آتشک را به زبان انگلیسی ترجمه نموده که در *Annals of Medical History* نیویورک، در سال ۱۹۳۱ میلادی به طبع رسیده است<sup>۳</sup>. در ذخیره شخصی الگود، نسخه‌ای از این کتاب وجود داشت و نسخه‌هایی از رساله آتشک در کتابخانه‌های زیر نیز وجود دارد: استیت لائبریری حیدرآباد، کتابخانه خدابخش پتنا، کتابخانه رضا رامپور، انجمن آسیای بنگال کلکته و در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور (پاکستان).

## ۷- رساله یاقوتی (فارسی)

رساله مختصریست در بیان خواص و ترکیبهای یاقوت. در صفحه آخر، ذکر نسخه‌ای به نقل از مولانا فخرالدین آمده است. عمادالدین وی را جد خود گفته و سلسله نسب خود را چنین آورده است: عمادالدین محمود بن قطب‌الدین مسعود بن عمادالدین محمود بن فخرالدین محمد. نسخه‌هایی از این رساله در کتابخانه خدابخش پتنا و کتابخانه رضا رامپور موجود است.

1- C. Elgood: *A Medical History of Persia*, Cambridge, 1951, p. 379; *Safavid Surgery*, p.6.

۲- همان، ص ۳۵۳.

۳- همان، ص ۳۷۹.

#### ۸- رساله فاد زهر (فارسی)

فاد زهر، داروی معروف زمان مصنف بود. این دارو، حیوانی و معدنی، هر دو نوع، می‌باشد. الگود این رساله را [در موضوع خود] اولین رساله به فارسی دانسته است<sup>۱</sup> که درباره فاد زهر می‌باشد.

عمادالدین در این رساله اظهارات نویسندگان پیشین را آورده و شناخت اصلی و نقلی سنگ مزبور را نیز بیان داشته است؛ در حالی که مؤلفین دیگر فقط در بیان اقسام و فواید فاد زهر اکتفا نموده‌اند. علاوه بر آن، عمادالدین ترکیب استعمال و طریقه مخصوص خوردن آن را بنا بر تجربیات شخصی خود نیز بیان کرده است. نسخه خدابخش پتنا فقط خوردن فاد زهر را دارد.

#### ۹- رساله چوبچینی (فارسی)

چوبچینی اکتشاف طبای ایرانی است. چوبچینی علاوه بر مفید بودن در تریاق و امراض دیگر، داروی مخصوص برای آتشک نیز بوده است. میرزا قاضی بن کاشف‌الدین یزدی حموی (م: ۱۶۶۴ م.) گفته است<sup>۲</sup> که چوبچینی در سال ۱۴۹۴ م. از طریق تصانیف طبای فرنگ در ایران متعارف شد و این همان سال است که در آن آتشک پدیدآمده بود، ولی این هم قابل تردید است؛ زیرا قبل از اواسط قرن هفدهم در اروپا، کسی از چوبچینی آگاه نبود. دیگر این که بهاءالدوله (م: ۱۵۰۷ م.) نه تنها برای اولین بار ذکر آتشک را به میان آورده، بلکه درباره معالجه آن نیز در کتاب خود، «خلاصة التجارب»، بحث مفصّلی نموده است، اما ذکر این دارو را نمی‌کند<sup>۳</sup>. الگود، عمادالدین را کاشف آن

1- C. Elgood'c: *A Medical History of Persia*, Cambridge, 1951, p.371.

۲- ظل‌الرحمان: سید: قانون ابن سینا و شارحین و مترجمین آن (اردو)، ص ۳۴۲.

۳- نوربخشی، بهاءالدوله محمد حسینی: خلاصة التجارب، نولکشور لکهنو، چاپ سوم ۱۹۰۹ م، ص ۳۸۱؛

C. Elgood'c: *A Medical History of Persia*, p.367

می‌داند. او تصوّر کرده است که این رساله می‌بایست در سال ۱۵۵۰ میلادی تألیف شده باشد<sup>۱</sup>، ولی نگارنده این سطور نظر الگود را درست نمی‌پندارد؛ زیرا که تاریخ تألیف آن ۹۹۳ هـ/ ۱۵۸۵ میلادی است و ۴۵ سال قبل از آن یعنی در سال ۹۴۷ هـ/ ۱۵۴۰ میلادی نورالله رساله خود، چوبچینی را به اتمام رسانیده بود<sup>۲</sup>.  
نسخه‌هایی از این رساله در کتابخانه خدابخش پتنا، استیت لائبریری حیدرآباد و در ذخیره شخصی نگارنده موجود است.

#### ۱۰- رساله جدری (فارسی)

درباره آبله علاوه بر محمد بن زکریای رازی، نوشته‌هایی از اطباء دیگر نیز وجود دارد که یکی از آنان، عمادالدین محمود است. نسخه‌ای از رساله او در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور موجود است.

#### ۱۱- رساله در باب قلع آثار (فارسی)

در کتابخانه خدابخش پتنا با عنوان فوق، رساله‌ای از عمادالدین محمود موجود است. نظر بنده این است که رساله مزبور، رساله مستقلی نیست؛ بلکه بخشی از رساله جدری است که درباره ترکیب محو ساختن علایم و نشانه‌های آبله می‌باشد. براساس تألیف یعقوب بن اسحاق (دیباچه) این رساله در کتابخانه خدابخش پتنا در یک مجموعه قرار دارد که مشتمل بر هفت رساله دیگر از عمادالدین است: چوبچینی، فاد زهر، یاقوقی، آشک، افیون، اطریلال و سموم. در ترقیمه رساله، در باب قلع آثار (که فقط در این رساله وجود دارد) تاریخ کتابت مجموعه ۲۵ جمادی‌الاول ۱۲۷۱ هـ/ ۱۸۵۴ میلادی آمده است.

۱- نوربخشی، بهاء‌الدوله محمد حسینی: خلاصه التجارب، ص ۳۶۵.

۲- همان، ص ۳۸۱.

### ۱۲- رسال در باب سموم (فارسی)

درباره ادویه سمیه است. کمال‌الدین حسین شیرازی معاصر عمادالدین محمود، راجع به ادویه تریاقی کتابی به نام «تریاق فاروق» تألیف کرده است. بدین ترتیب رساله‌های سموم و تریاق نوشته معاصرین او در علم الادویه بسیار حایز اهمیت است.

### ۱۳- رساله اطریلال (فارسی)

ماهرین علم الادویه مفرده، کتابهای فراوانی تألیف نموده‌اند و معالجه از طریق داروهای مفرده، مهارت فن، حذاقت و متصف بودن از روشهای فنی بالا را می‌طلبند. در معمولات طبای حاذق انبوهی از این مفردات وجود داشت که در امراض گوناگون سریع‌الاثر بوده‌اند. اطریلال نیز چنین داروی مفردیست که به عنوان داروی مخصوص برای برص، امروز نیز موضوع تحقیق است.

طیب شهیر قرن شانزدهم میلادی رساله مستقلی درباره این موضوع به تحریر درآورده است که در آن ماهیت دارو و اختلافات درباره شناخت و نیز در مورد طریقه استعمال آن، به بحث تحقیقی پرداخته است. رساله اطریلال نه فقط به عنوان تألیفی گرانقیمت از یک طیب و صاحب فن، بلکه از حیث نفس موضوع نیز اهمیت بسزایی دارد. سه نسخه خطی از این رساله موجود است؛ یکی در کتابخانه خدابخش پتنا، دیگری در استیت لائبریری حیدرآباد و سومی در دانشکده طبّی نظامیه حیدرآباد.

### ۱۴- رساله امراض صبیان (فارسی)

این رساله در مورد امراض اطفال و کودکان می‌باشد. نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور موجود است که در شهر حیدرآباد برای میرزا اشرف جهان ثانی حسنی در جمادی‌الثانی ۱۰۴۰ هـ/ ۱۶۳۰ میلادی کتابت شده است.



### ۱۵- صحیفه الشفا (فارسی)

سال تألیف آن ۹۵۵ هـ/ ۱۵۴۸ میلادی است. نسخه‌ای از آن، مکتوبه در سال ۱۲۶۸ هـ/ ۱۸۵۱ میلادی، در استیت لائبریری حیدرآباد است.

### ۱۶- رساله اوزان و مکایل (فارسی)

ماهرین طب و ادویه درباره اوزان و مکایل مختلف و هموزن اوزان رایج الوقت آنان، رساله‌های بسیاری نوشته‌اند. عمادالدین نیز در این موضوع رساله‌ای دارد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه اداره تاریخ و تحقیق طب دهلی نو موجود است. سال کتابت آن ۱۲۰۰ هجری می‌باشد.

### ۱۷- مجربات عمادالدین (فارسی)

رساله‌ای مختصر در پنج و نیم صفحه است. از دیباچه آن مستفاد می‌گردد که مؤلف پس از مطالعه کتابهای حکمای هند، ابن سینا و اطباء دیگر آن را به دست آورده و تجربه‌های شخصی او مؤثر بودن آن نسخه‌ها را تأیید نموده است. این رساله در یک مجموعه، در کتابخانه رضا رامپور نگهداری می‌شود.



این خانواده شیرازی در ردیف خانواده‌های اطباء ممتاز ایران محسوب می‌شود. همانطور که عمادالدین وارث علم خانواده خود بود، فرزندش حکیم محمد باقر نیز صاحب تصنیف و تألیف و درس و افاده بود. او متخصص امراض چشم و به دربار شاه عباس صفوی (۱۶۲۹-۱۵۸۷ م.) وابسته بود. جای تعجب است که مورخ شهیر دکتر الگود که در تاریخ طب ایران به خاطر کارهای ارزشمند خود مقام شایسته‌ای دارد و شهرت کسب کرده است، [چطور] دچار اشتباه شده و حکیم محمد باقر را پدر

عمادالدین دانسته؛<sup>۱</sup> در حالی که خود عمادالدین در کتابهایش شجره نسب خود را تحریر نموده است. زمان هر دو [پدر و پسر] را که به دربارهای پادشاهان صفویه وابسته بودند به آسانی می‌توان تعیین کرد.

همانند عمادالدین، تفصیلاتی از زندگانی و کارهای فرزندش حکیم محمد باقر نیز جای دیگر دیده نمی‌شود. نگارنده این سطور توانسته است از فهرست کتابخانه‌های مختلف هندوستان نام تألیف حکیم محمد باقر را به دست بیاورد و از طریق مؤلفاتش، اطلاعات زیر را به دست آورد:

### ۱. رساله اکمل و مقاله اجمل

این رساله دربارهٔ امراض چشم و سال تألیف آن ۱۰۳۳ هـ/ ۱۶۳۳ میلادی می‌باشد. حکیم محمد باقر این رساله را برای شاه عباس صفوی تألیف کرده است. شاه در سال ۱۶۰۲ میلادی هنگامی که از اصفهان برای لشکرکشی به تبریز عزیمت می‌کرد، از حکیم محمد باقر که همراه وی بود، درخواست تألیف این رساله را می‌کند. این رساله دو مقاله دارد.

مقاله اول: دربارهٔ مفرّجات و مرکّبات امراض عین؛

مقاله دوم: در بیان مراهم و ادویّه قروح.

نسخه‌های خطی از این رساله در دانشکدهٔ طبّیه نظامیه حیدرآباد به نام «رساله اکمل و مقاله اجمل» (مکتوبهٔ ۱۲۵۳ هـ/ ۱۸۳۷ م.)، در کتابخانهٔ رضا رامپور به نام «مقالتان در مفرّجات محمد باقر» (مکتوبهٔ ۱۱۴۷ هـ/ ۱۷۳۴ م.) و در ذخیرهٔ نگارندهٔ این سطور به نام «ادویّه مفرّده و مرکّبه امراض عین» وجود دارد. در واقع هر سه یکی است و به نامهای مختلف موسوم شده است.

۱- نوربخشی، بهاءالدوله محمد حسینی: خلاصهٔ التجارب، ص ۳۸۲.

## ۲. رساله فی المسهل (عربی)

دارای یک مقدمه، دوازده فصل و خاتمه، دربارهٔ طریقه استعمال مسهلات و اجزای آن است.

در کتابخانه خدابخش پتنا نسخه‌ای از «رساله فی المسهل» موجود است و در کتابخانه رضا رامپور همین رساله به نام «رساله فی تدبیر الاستفراغ» وجود دارد که هر دوی آنها یکی است.

## ۳. طب باقر

در کتابخانه ایالتی حیدرآباد رساله‌ای به نام «طب باقر» موجود است؛ اما پس از مقایسه با «رساله اکمل و مقاله اجمل» و «رساله فی المسهل»، نمی‌توان این رساله را تألیف جداگانه‌ای قرارداد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که رساله مزبور همان «رساله اکمل و مقاله اجمل» باشد.



خواهرزاده عمادالدین نیز طبیب و نویسنده‌ای لایق بود. در ذخیره راقم سطور نسخه‌ای از «قربادین» وی موجود است که از آن دربارهٔ عمادالدین نیز اطلاعاتی مفید به دست می‌آید. به علت افتادگی صفحهٔ اول قربادین، نام نگارنده معلوم نشده است؛ البته در صفحهٔ دوم آن این عبارت مرقوم است:

“قربادین خواهرزاده عمادالدین محمود شیرازی، نسخه‌های متعدّد به نقل از خال مرحوم غفران پناه حکیم عمادالدین محمود شیرازی<sup>۱</sup>. از روی کتاب معلوم می‌شود که او شاگرد عمادالدین بوده و کمال‌الدین حسین شیرازی را نیز استاد خود دانسته است.”<sup>۲</sup>

۱- خواهرزاده عمادالدین: قربادین (نسخه خطی)، نسخه نگارنده، برگ ۷۳ الف.

۲- همان، برگ ۱۱۶ ب.



این نسخه در سال ۱۰۷۵ هـ/ ۱۶۶۴ میلادی در بلده اردبیل کتابت شده است.

\* \* \*